

نقطه‌ای ثابت در حرکت

ژاک لوکوک، در عرصه آموزش تئاتر، استادی به تمام معناست. این استاد که درباره جهان، حرکتهايش و جنبه‌های جهان‌شمول تئاتر دیدگاه مقبولی دارد، طی آموزشی چهل‌ساله «نقطه ثابتی» به وجود آورد که در آن، ضمن احترام به تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی، تخیلات، قابلیت‌ها و یا استعداد‌های هنرجوهای بسیار به آنان کمک کرد تا خود را بیابند، بشناسند و «پیشرفت کنند».

از فیلیپ آورُن^۱ گرفته تا آریین منوشکین^۲، از لوک بوندی^۳ تا استیون برکوف^۴، از یاسمینا رضا^۵ تا میشل آزما^۶ و آلن گوتره^۷، از ویلیام کنتریج^۸ تا

۱. Philippe Avron (متولد ۱۹۲۸)، بازیگر مشهور فرانسوی (م).

۲. Ariane Mnouchkine، کارگردان فرانسوی که در اواخر دهه ۱۹۶۰ با گروه خود به نام تئاتر خورشید (soleil) و به اتفاق تعداد دیگری از گروه‌های آوانگارد جریانی را به نام تئاتر خلاق جمعی به وجود آورد (م).

۳. Luc Bondy (متولد ۱۹۴۸، زوریخ)، کارگردان تئاتر و اپرا و از هنرجویان لوکوک. وی از سال ۱۹۶۹ به عنوان دستیار در گروه هامبورگ شروع به کار کرد و از سال ۱۹۷۱ تئاتر و اپراهای متعددی به کارگردانی او روی صحنه رفت (م).

۴. Steven Berkoff (متولد ۱۹۳۷، لندن)، نویسنده، کارگردان و بازیگر. وی در پاریس و لندن درام و میم آموخت و در سال ۱۹۶۸ گروه تئاتر لندن را بنیان‌گذاری کرد (م).

۵. Yasmina Reza (متولد ۱۹۵۹، پاریس)، نمایشنامه‌نویس، بازیگر و داستان‌نویس. پدر وی در اصل ایرانی و مادرش مجاری است. او در پاریس از هنرجویان لوکوک بود (م).

۶. Michel Azama (متولد ۱۹۴۷، کاتولین)، نمایشنامه‌نویس و دراماتورژ فرانسوی. وی فارغ‌التحصیل ادبیات مدرن در مونپولیه و از هنرجویان مدرسه لوکوک است (م).

۷. Alain Gaultre، بازیگر و نویسنده فرانسوی (م).

۸. William Kentridge (متولد ۱۹۵۵، ژوهانسبورگ)، فارغ‌التحصیل سیاست و مطالعات افریقا. ←

جفری راش^۱ یا کریستف مارتالر^۲، از تئاتر «فوتس بارن تراولینگ»^۳ تا تئاتر «ژاکری»^۴، از تئاتر «مومشانتز»^۵ ها تا تئاتر نادا^۶ یا تا تئاتر «گمپلی سیت»^۷ و غیره تنوع شکلهای اجرا و رویدادهای تئاتری که بر تعلیمات وی مبتنی است نشان‌دهنده بُعد خلاق روش آموزش اوست؛ روشی که از شکلهای شیوه‌های قالبی به دور است. شاید عجیب باشد اما اسامی این گروه‌های تئاتری آنقدر زیادند که فهرست کردن آنها ناممکن است.

-
- وی اوایل دهه ۱۹۸۰ در مدرسه لوکوک به مطالعه میم و تئاتر پرداخت، در این مدت در فیلمهای تلویزیونی بازی کرد و کارگردانی سریالهای تلویزیونی را بر عهده گرفت (م).
۱. Geoffrey Rush (متولد ۱۹۵۱)، هنرمند استرالیایی، در سال ۱۹۷۵ وارد مدرسه لوکوک شد و به یادگیری میم و پانتومیم پرداخت (م).
 ۲. Christophe Marthaler (متولد ۱۹۵۱، زوریخ)، وی ابتدا در زوریخ و بعدها در مدرسه لوکوک در پاریس به مطالعه موسیقی پرداخت و کارهای حرفه‌ای خود را به عنوان موزیسین در بسیاری از تئاترهای آلمانی زبان ادامه داد (م).
 ۳. Footsbarn Travelling، گروه نمایش خیابانی انگلیسی که در اجراهای خود مهارتهای سیرک و موسیقی زنده را با تئاتر تلفیق می‌کرد (م).
 ۴. Le Théâtre de la Jacquerie، نام گروهی نمایشی برگرفته از عنوان شورش دهقانان (Jacquerie) علیه اشراف در شمال شرقی فرانسه در سال ۱۳۵۸ میلادی. در آن زمان اشراف برای تحقیر، دهقانان را با عنوان ژاک یا ژاک بونوم (فسقلی) مورد خطاب قرار می‌دادند (م).
 ۵. Mummenschantz، گروه پانتومیم کار سوئیس که در اجراهای خود از ماسک فراواقعی و سبک شرقی استفاده می‌کنند. این گروه را در سال ۱۹۷۲ برنی شورش، آندره بُسار و فلوریانا فراستو پایه‌گذاری کردند. شهرت آنها در استفاده از ماسکهای عجیب، فرم، نور و سایه و طراحی دقیق حرکت در بازی است (م).
 ۶. Le Nada Théâtre، نادا کلمه‌ای اسپانیایی به معنی هیچ است و نام گروه تئاتری در پاریس که آلفرد ژاری برای اولین بار «ابوشاه» را در آنجا اجرا کرد (م).
 ۷. Le Théâtre de la Complicité، تئاتر تجربی بریتانیایی که در سال ۱۹۸۳ سیمون مک برنی، آنابل آردن و مارچلو مگنی پایه‌گذاری کردند. کار این گروه ترکیبی از بازیگری واقع‌گرایانه و شیوه‌پردازانه است که با استفاده از متون روایی، حرکت، موسیقی و هنرهای تجسمی به طور مشترک به وسیله اجراگران و کارگردانان خلق می‌شود. این گروه بیشتر متأثر از لوکوک و میرهولد هستند (م).

با وجود این، ژاک لوکوک جایگاه متناقضی دارد؛ زیرا نه فقط بازیگران، مؤلفان، کارگردانان و صحنه‌نگاران، بلکه معماران، مربیان، روان‌شناسان، نویسندگان و حتی افراد مذهبی هم از جمله کسانی هستند که به روش آموزشی او مراجعه می‌کنند. این افراد یا به طور مستقیم هنرآموز مدرسه او بوده‌اند یا به صورت غیر مستقیم شاگرد هنرجویانش. بعضی هم بدون آنکه بدانند مرجع نظریاتشان کیست از او الهام گرفته‌اند. با اینکه او آموزشگری با شهرت جهانی است، اما در کشور خودش نسبتاً ناشناس مانده یا درست شناخته نشده است. چه کسی روش آموزشی او را می‌شناسد؟ چه کسی می‌داند خاستگاه تعلیمات او کجاست؟ چه کسی از تحولات، اصول، تردیدها و کاوشهایش خبر دارد؟ چه کسی از روندی که این مرد طی کرده و تأملاتی که با خود به عرصه آموزش تئاتر آورده آگاه است؟ چه کسی واقعاً فردی را می‌شناسد که همراه با دهها هنرجو، که در مدرسه به کشف قوانین حرکت، فضا، بازی و فرم می‌پردازند، طی چهل سال هر روز هفته بر روی صحنه برود؟ این ناآگاهی شاید ناشی از این باشد که انتقال تجربه زنده آموزش تئاتر از راه کلمات دشوار است. فقط بدنی که درگیر کار است می‌تواند صحت حرکت، ظرافت ژست و وضوح فضا را به درستی حس کند. فقط بازیگر در حال بازی می‌تواند انحراف از مسیر، تردید و اشتباه خود را در چشمهای یک مربی آگاه بخواند. فقط گروه هنرجویانی که کاملاً درگیر ماجرا باشند در جریان «فهم» کل روند یا قسمتی از آن قرار می‌گیرند. زیرا در راه و رسم آشنایی با تئاتر ضروری است که بدانیم تئاتر و بازیهای بدنی آن، تجربه زنده، نقل شفاهی و اموری زمان‌مندند. ضبط نوشتاری اندیشه‌ای آموزشی که اساس آن کاربرد مستقیم نگاه و مبادله است، این خطر را در پی دارد که از معنای آن کاسته یا پویایی آن گرفته شود. اما به هر حال!

این صفحات که بیانگر سفری صبورانه و مطمئن به قلب دو سال آموزش در مدرسه است، به خوبی خواننده را متقاعد می‌کند. این کتاب طی ماهها و در جریان گفتگوهای متعدد بر مبنای اصولی شکل گرفته است که روش آموزش تئاتر براساس

تجربه‌های طولانی را سازماندهی می‌کند. ژاک لوکوک قدم‌به‌قدم همراه با واژگان پرستاره و دقیقش ما را تا اعماق کاوش شخصی‌اش پیش می‌برد؛ کاوش در منابع و سرچشمه‌های تقسیم‌پذیر هر خلاقیتی. او با صبر و سخاوت، تغییرات، موانع احتمالی، انحرافها و بن‌بستهای مسیر را توضیح می‌دهد. او مُترصد و مجذوب برخی معماهای بین انسان و کیهان است؛ معماهایی که بازی تئاتری از آنها متولد می‌شود.

مشاهده زندگی و جنبشهایش با ذوقی نیمه علمی موجب به وجود آمدن نگاهی هر لحظه شاعرانه، شوقی ناشی از یک قطعیت بازیافته و لذت شکل دادن به قانونی واضح‌تر و ساده‌تر می‌شود. با این وصف تأکید او بر یک نظر قاطعانه یا پیش‌داورانه با لبخند و بعد با سکوت، بارها تعجب ما را برانگیخته است. این کار او درست مانند عبارت سؤالی «نه؟» ما را دچار تردید می‌کند. به این ترتیب هر قطعیستی باید بی‌وقفه در محدوده‌ای بی‌ثبات و در حرکت ذهن ارزش یابد. حتی خود نقطه ثابت هم در حرکت است! این سفر بی‌آنکه از شوخ‌طبعی و اعتدال بی‌بهره باشد به پستی و بلندیهای آشکار تئاتر و به دیدگاههایی که مدام تجدید می‌شوند، یعنی به «خرد بدن شاعرانه» می‌انجامد.

امید که این صفحات آبرفتی‌هایی حاصلخیز باشند برای تئاتری زاینده.

ژان گابریل کاراسو^۱

ژان کلود لالیاس^۲

۱. Jean-Gabriel Carasso، هنرجوی قدیم ژاک لوکوک، مدیر مؤسسه ملی پژوهش و کنش تئاتری (ANRAT) در پاریس.

۲. Jean-Claude Lallias، استاد ادبیات دانشگاه تربیت معلم شهرک کرتی، در حومه پاریس.